



### دختر همسایه

### مفهوم الگو:

در بجه‌های که همه بخاطر پیشرفت تکنولوژی زندگی راحتتری را سپری می‌کنند و همه امور با سرعت بهتری به وسیله ارتباطات مجازی صورت می‌گیرد، من عمیقاً از این پیشرفت ناراضی‌ام. چرا که به محض آنلاین شدن باید لوکیشن بدم و حتی تصویری به مادرم گزارش روزانه را اعلام بدارم. با این وضعیت از ته قلمم دلم می‌خواست این پیشرفت حاصل نمی‌شد و همان یک بار یک آتشی روشن می‌کردم و با دودش به مادرم اعلام می‌کردم که زنده‌ام، کفایت می‌کرد! قطعاً به سلامت روان خانواده‌ای کمک می‌شد. کما اینکه معتقدم همان موقع هم دود غلیظی روانه می‌کرد به سمتم حاوی این پیام که «دیر دود دادی، کجا بودی؟ نگران شدم»



جراحی پلاستیک رو به سمتی میره که مواد تشکیل دهنده بدن یک ایرانی را می‌توانیم، آب، پوست و پلاستیک اعلام کنیم. ما این روند پیشرفت علم جراحی پلاستیک را از روند تغییر دختر همسایه مان متوجه می‌شویم. طوری که می‌دانیم همان دختر همسایه است ولی هر روز بر حجم و ابعادش افزوده و کاسته می‌شود طوری که توی بازی اسم و فامیل به راحتی می‌توانیم دختر همسایه رو به دلیل حجم بالای پلاستیک مصرف شده، علاوه بر اسم و فامیل، جزء اشیا هم محسوب کنیم.



### معجزه‌های ناگهانی



سوپر استار شدن همیشه مستلزم فاکتورهایی بوده که باعث می‌شده یک فرد مراحل شهرت را یکباره سپری کند! مثل سیبیل‌های قیصری در گذشته یا چشم‌های رنگی گلزاری! اما این روند که اکنون دچار تحول عجیبی شده است باعث شده که سلبریتی شدن به واسطه یک اقدام به خودکشی صورت بگیرد و یا حتی امکان دارد با چند تا از دخترخاله‌هایتان عکس بگیرید یکهو تعداد فالورهایتان بالا برود! اصلاً چرا راه دور برویم! نهار چی خوردید؟ نون با کچلیک؟ تبریک می‌گویم، سلبریتی بودن شما حاضر است!

### الهه پیدا کردن راهکار در یونان باستان



شیر آب آشپزخانه چکه می‌کرد و من راه‌هایی که برای حل این معضل به ذهنم می‌رسید اینها بودن:  
 ۱) شیر آب را بکنم بندازم دور  
 ۲) فلکه شیر آب را کلا بندم  
 ۳) به سازمان آب فحش بدهم  
 ۴) خانه مان را عوض کنم  
 ۵) بنشینم گریه کنم!

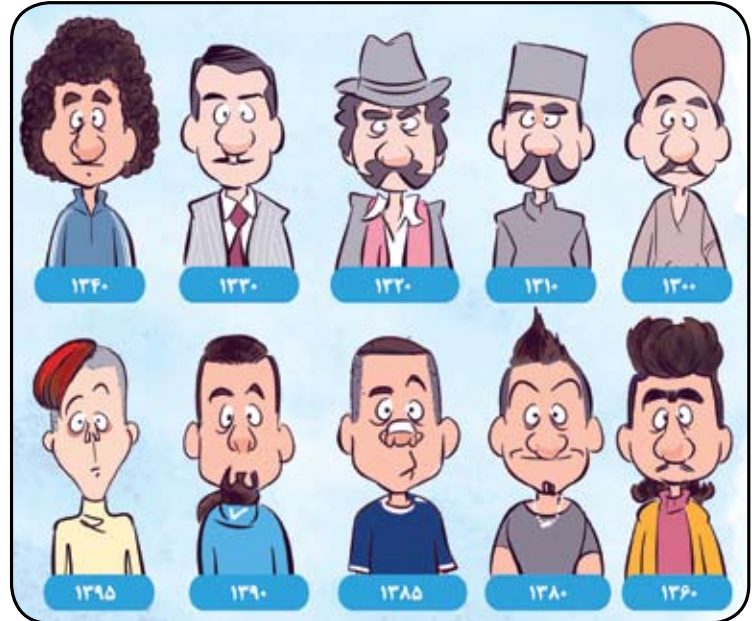
### توهم سازی

یکی از عمده تأثیراتی که تبلیغات بر زندگی روزمره آدم می‌گذارد افزایش مصرف گرایی است. به طوری که یک شلنگ سوراخ دستشویی جوری در تبلیغات بال و پر داده می‌شود و در مورد کارایی‌های این شلنگ صحبت می‌شود که احساس می‌کنی کم کم برای دکور خانه ات و ست کردن رنگ این شلنگ با میز نهار خوری ات حتماً باید عدد ۲ را به آن شماره ارسال کنی و رایگان دم در خانه تحویلش بگیر. این موج مصرف گرایی به حدی افزایش پیدا کرده که همینطور توی خانه نشستی و یکهو می‌بینی دو دست پتوی نوزاد، یک ست کت و شلوار مردانه و یک عالمه پوشک بچه خریده ای و بعد به خودت می‌آیی می‌بینی تو که بچه نداری! حتی کمی عمیقتر که می‌شوی یادت می‌آید اصلاً ازدواج هم نکرده‌ای!!



### زیبایی

مبحث زیبایی شناسی از ازل با آدمی بوده. طوری که همان انسانهای اولیه هم بعد از شکار و سیر شدن شکمشان می‌فهمیدند که یک جای کار می‌لنگد. مرد خانه داد می‌زد "زن اون زغال رو بیار یه نقش نگاره‌ای بکشیم خونه قشنگ شه"  
 برای انتخاب همسر هم سلیقه‌ها متناسب با همین سبک زیبایی شناسی دوره به دوره متفاوت می‌شد. مثلاً همان انسان نخستین ملاک زیبایی برایش نوع خیزی بود که برای شکار گرفته می‌شد. بین دخترهای مجرد داخل غار رقابت بود برای نوع چنگ زدن به شکار و پسرهای دم بخت هم پرش از روی آن پرنده جثه دار صورتی کنار آبشار را تمرین می‌کردند، که از قضا چون تقاضا برای کشتار این پرنده فزونی پیدا کرد رو به انقراض گذاشته شد و حتی اسمی در تاریخ برایش نمانده است!



زمان گذشت و ملاکهای انتخاب کمی متفاوت شد. طوریکه در دوران شاهان قاجار سر و شکل دیگری پیدا کرد. طوری که اول باید تشخیص هویت می‌گذاشتند که آیا واقعاً این عروس با این هیبت، صورت و وسعت ابرو، عروس است یا داماد؟  
 اگر عکس سوگلی‌های آن زمان را ببینید متوجه می‌شوید که انگار عکس را از یک گوشه ای گرفته‌اند و بدون در نظر گرفتن تناسبات از یک سمتی کشیده‌اند!  
 کلاً هم عمده کار می‌کردند و جزئیات در این بین کمترین اهمیت را داشت.  
 برای خواستگاری هم صدای بم داماد و نقش و نوع سبیل تأثیر عمده‌ای داشت و نگاه زیباشناسانه به سمتی می‌رفت که هرچه تصویر داماد موحشرتر، احتمال جواب بله گرفتن قطعیت بیشتری پیدا می‌کرد! طوری که عکس شازده پسر را روی قندان وسط‌هال می‌گذاشتند، هر چقدر تعداد بچه‌هایی که از ترس کاری خودشان می‌دادند، بیشتر می‌شد، جذبه داماد بالاتر می‌رفت.

این روند در دوره‌های جدید بعد از طی یک دوره معقول باز به سمتی عجیب رهنمون شده که اتفاقاً در این بازه زمانی باز هم نیازمند تشخیص هویت این بار از سمت داماد هستیم، که مطمئن شیم حالا با این ابروهای برداشته و ناز و ادای داشته، واقعاً داماد است یا عروس؟  
 مهریه بخواهیم یا زیر لفظی بدهیم. برای پسندیدن هم جزئیات کاملاً وارد میدان شده، طوری که دیده شده یکی از ازدواجهای محکم به این دلیل از هم پاشید که داماد ذکر می‌کند خال سمت چپ صورتش را دوست نداشتیم و عروس اذعان می‌دارد کفشاش رو که در می‌آورد، بو می‌داد!